

دکتر سیامک علیزاده*

سحر صالحی**

دکتر نظام الدین امامی فر***

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲۰

بررسی نقوش مقابر آجری دزفول

چکیده

ساخت و تزیین مقابر در اکثر مناطق ایران از گذشته تاکنون و براساس اعتقادات، باورها و شرایط اقلیمی و نوع مصالح بوم‌آورد رواج داشته است. در منطقه‌ی رودبند دزفول و در کنار ساحل رود دز با سازه‌ها و بقایای مقابری روبرو می‌شویم که نه فقط حاکی از قدمت و برجستگی‌های ویژه می‌باشند بلکه در هیچ جای ایران تاکنون مشابه آن دیده نشده است. ساخت و تزیین این گونه مقابر به احتمال زیاد متأثر از فنون غنی آجرکاری و کاشیکاری بومی (خوون چینی) می‌باشد. هدف این مقاله نیز در این راستا بررسی‌های اولیه و معرفی این گونه بقایا به شیوه‌ی توصیفی و در حد مقدور می‌باشد تا راه را برای تحقیقات گسترده‌تر در آینده هموارتر نماید.

واژگان کلیدی:

سنگ قبر
مقابر آجری
گورستان رودبند
آجرکاری

استادیار دانشکده هنر دانشگاه شهید چمران اهواز*

Siyamak_micheal@yahoo.com

دانشجوی رشته گرافیک دانشکده هنر شوشتر* *

استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد***

مقدمه

بافت قدیم و تاریخی دزفول از سازه‌هایی تماما آجری تشکیل شده است. کاربرد و گسترش آجر در معماری سازه‌های مسکونی و همگانی (قنات‌ها، آسیاب‌ها، پل‌ها و...) بافت قدیم این شهر را دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد نموده است. آن چه بر زیبایی بناهای آجری دزفول می‌افزاید استفاده از تزیینات خوون چینی یا همان آجرکاری یا آجربری بر بدنه سردرها، ورودی‌ها و طاق‌ها می‌باشد. در کنار هنر آجرکاری، استفاده از آجرهای لعاب‌دار که به صورت معقلی در سردر منازل کار شده است بر چشم‌نوازی معماری آجری این منطقه افزوده است، آمیزه‌ای از هماهنگی و همنشینی دل‌پذیری از شکوه و فروتنی. نوشتار حاضر به بازشناسی بناهای آرامگاهی و بررسی پیوستگی میان سنت‌های غنی آجرکاری معماری و کاربرد آجر لعاب‌دار بر روی سنگ‌های آرامگاهی گورستان قدیمی رودبند و کاشفیه در دزفول می‌پردازد. در میان زیر مجموعه‌های معماری، معماری آرامگاهی و از جمله ساخت قبور و پوشش آن‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بخش قابل توجهی از بقایای معماری قدیم را شامل می‌شود. این دسته از آثار، از جنبه‌های مختلف معماری، تاریخی، هنری، مذهبی و اجتماعی، قابل مطالعه و بررسی هستند. در تحقیقات مکتوب و میدانی که نگارندگان درباره‌ی قبرستان آجری رودبند انجام داده‌اند، متوجه شدند که در هیچ یک از دیگر استان‌های کشور به غیر از خوزستان، این نوع سازه‌ی ویژه و نادر وجود ندارد و در جای خود قابل مطالعه و بررسی از وجوه مختلف می‌باشد. همچنین به گمان این موضوع می‌تواند در مردم‌شناسی این مردم، نقش مهمی تلقی شود. زیرا «اصولا توجه به آرامگاه و آرامگاه سازی در میان جوامع مختلف انسانی دارای سابقه‌ی طولانی حتی بیشتر از خود معماری است. این توجه و علاقه، معلول دو عامل عمده یعنی اعتقاد به جهان آخرت بعد از مرگ و حب ذات و در دوره‌های متأخرتر، علاقه، اعتقاد و ارادت دوستداران و پیروان شخص متوفای بوده است» (پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۸: ۹). در همین راستا نیز «گرچه هیچ نشان و مدرکی از چگونگی آغاز کار گذاشتن سنگ بر قبر در دست نیست، اما صراحت فقه شیعه در چگونگی تدفین و گذاشتن نشانه بر قبر پس از چهل روز می‌تواند سرآغاز این سنت به حساب آید» (تناولی، ۱۳۸۸: پیشگفتار) اما «در حقیقت این دسته از آثار که به کدهای رمزگونه‌ای تبدیل شده‌اند، با بررسی‌های تخصصی باید از معانی نهفته در ظواهر عینی شان پرده برداشت.» (خسرو نژاد، ۱۳۷۷) زیرا «شناسایی گورستان‌های کهن و مطالعه و بررسی آن‌ها به دقت نظرما در شناخت و بررسی گذشته‌ی فرهنگی ما می‌افزاید.» (سگوند، ۱۳۸۶)؛ لذا یکی دیگر از اطلاعات بسیار مفید برای محققانی که در زمینه مردم‌شناسی هنر فعالیت می‌کنند، کاربرد نوع طرح‌ها و مفاهیم نهفته در نقوش و علامات نمادین روی پوشش آجرهای قبور است. شکل طرح‌ها و نقوش ایجاد شده روی آن‌ها همگی گواه بر معانی ریشه‌دار و وابسته به اعتقادات و سنت گذشتگان این منطقه است. طرح‌ها و نقوش‌های مورد اشاره در این مقاله، نه فقط در رابطه‌ی مستقیم با باورها و اعتقادات بومی هستند، بلکه با شرایط اقلیمی و سنت‌های معماری مانند مردم واری، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی و نیارش در ارتباط می‌باشد، لذا اصول و دیدگاه‌های زیباشناسانه نهفته در آرایش‌های آجرکاری شده بر روی این قبور یکی از نکات با ارزش در این موضوع پژوهشی به حساب می‌آیند. بررسی پیشینه این موضوع نشان می‌دهد که به استثنای کتاب ارزشمند مهندس غلامرضا نعیم با عنوان «دزفول شهر آجر» در منابع دیگر، اشاره‌ای به این گورستان تاریخی نشده است و این مسأله نشان دهنده‌ی عدم اطلاع کافی از این آثار است.

روش پژوهش

این پژوهش که با هدف معرفی و مطالعات اولیه صورت پذیرفته، به شیوه توصیفی و با بهره گیری از دو بخش مطالعات اسنادی کتابخانه‌ای و همچنین مطالعات میدانی و برداشت‌های بصری در محدوده‌ی گورستان رودبند دزفول و کاشفیه انجام شده است. به همین منظور در ابتدا مفهوم اصلی مرتبط با موضوع مورد بحث قرار گرفته و سپس نمونه‌های مورد نظر تاریخی را مورد تشریح قرار داده‌است.

مطالعات تاریخی

«آجر در فرهنگ واژه‌های معماری سنتی ایران گل پخته، خشت مکعب مستطیل پخته شده، معرفی شده‌است. در فرهنگ تصویری معماری نوعی واحد بنایی از جنس رس که در حالت خمیری به شکل یک منشور مکعب در آمده و با خشک شدن در آفتاب یا پختن در کوره سخت می شود، معنا شده است» (محمودی و چائیده، ۱۳۸۹) «آجر کاری در فرهنگ لغات فارسی آجرچینی، شیوه‌های زیبا و رایج تزئین بنا، هنر چیدن آجر در بناها به منظور عرضه نماهای تزئینی متناسب با شکل و هیئت کلی بنا تعریف شده است.» (همان)

پیشینه‌ی کاربرد آجر و شکل لعاب دار آن در معماری نواحی جنوب غربی ایران (جلگه خوزستان) به دورانی کهن باز می‌گردد، دوران شکل‌گیری اولیه تمدن‌های تاریخی. به گفته «آرتور پوپم: خشت و آجر جدید چهار گوش که اطرافش مسطح است و در قالب زده می‌شود در هزاره چهارم (قبل از میلاد) آشکار شد و ظاهراً این نوآوری از ابداعات ایرانیان بوده است.» (نعیما، ۱۳۷۶: ۲۸) با پیدایش و کاربرد معماری آجری، تداوم، رواج و استمرار آن در دوره‌های تاریخی پیش و پس از اسلام در خوزستان، به ویژه بخش‌های شمالی آن از شوش قدیم تا دزفول و شوشتر همواره وجود داشته است. قدیم‌ترین نمونه بنای آجری را در ساختار زیگورات چغازنبیل، به‌جای مانده از تمدن عیلام به سال ۱۲۵۰ پ.م. می‌توان مشاهده نمود. «این قدیمی ترین بنای شناخته شده در ایران دارای ماهیت و ابعاد چشمگیر است،... این بنا به روزگار آبادی خود دارای ۵ طبقه و ۵۳ متر ارتفاع بوده است. در ساختمان این بنا خشت خام با نمایی از آجر پخته قرمز به کار رفته است و آجرهای لعاب‌دار به رنگ آبی و سبز نیز دیده شده است.» (نعیما، ۱۳۷۶: ۲۰) «استفاده از کاشی‌های لعاب‌دار در ایلام، همان گونه که با حفاریات چغازنبیل نشان داده شده است، در زمان اونتاشگال آغاز می‌گردد. کاشی‌ها به رنگ‌های آبی، سبز یا سفید هستند» (پرادا، ۱۳۸۶: ۸۶). از دوران هخامنشیان نیز کاخ آپادانای شوش معماری با شکوهی بر پایه آجر و کاشی لعاب‌دار داشته که در نوع خود بی‌نظیر بوده است. «تمام زینت آپادانا و قسمت‌های دیگر کاخ شوش به وسیله آجرهای لعاب‌دار انجام گرفته است. فقط ستون‌ها و پاشنه‌های دروازه‌ها از سنگ ساخته شده است. سطوح خارجی به وسیله آجر لعاب‌دار زینت شده بودند. این سطوح متجاوز از ۲۰ متر ارتفاع داشته است» (نعیما، ۱۳۷۶: ۲۲). برخی از آجرهای لعاب‌دار آپادانای شوش برجسته بوده و نقوشی با موضوعات گوناگون را نشان می‌دهد. «نقوش برجسته آجرهای لعاب‌دار از شوش موضوع‌های گوناگونی دارند. گذشته از نمایش نگهبانان شوشی ... این آجرها ردیف‌هایی از گاوهای بال‌دار، شیرها، اژدها و اسفینکس‌هایی را که به طور محوری قرار گرفته‌اند، در بردارند» (پرادا، ۱۳۸۶: ۲۲۸) در دوره ساسانیان ایوان کرخه نیز با کاربرد آجر و احتمالاً مانند ایوان مداین (تیسفون) با طاق‌ها و طاق‌نماهای هلالی برپا گردید. «امروز هیچ گونه اثری از آن بر پا نیست. این بنا به وسیله شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م) ساخته شده است.» (نعیما، ۱۳۷۶: ۲۴)

«استمرار به کارگیری آجر پس از اسلام در ایران موجب شد تا مدول یا پیمانهای معماری ایرانی چه از نظر تناسب و چه از نظر جنبه‌های ایستایی متحول شود» (محمودی و چاییده، ۱۳۸۹: ۱۷) «در قرن‌های نخستین پس از اسلام تا اواسط دوره سلجوقیان، آجر مهم‌ترین ماده در تزئین فضاهای ورودی بود» (همان، ۱۸) «از دوران تیمور به بعد کار تراش دادن و آسب کردن آجر و همچنین ساختن نماهای الحاقی (آمود) مورد توجه قرار گرفت» (نعیما، ۱۳۷۶: ۲۶). «به طور کلی آجر در دوره قبل از اسلام بیشتر جنبه استحکامی و کاربردی داشته است و بعد از اسلام ضمن دارا بودن جنبه استحکامی جنبه تزئینی پیدا می‌نماید» (همان، ۲۶). «قدیم‌ترین ابعاد در اندازه آجر در شهر دزفول متعلق است به آجرهای پل ساسانی که ساخت آن را به شاپور اول نسبت می‌دهند ... بعد از پل ساسانی قدیم‌ترین بنایی که در شهر دزفول وجود دارد مقبره شیخ اسماعیل قصری، متوفی به سال ۵۵۵ هجری قمری است» (همان، ۲۸).

کاربرد تزئینی آجر (خوون چینی)

خصوصیات و نحوه کاربرد آجر در دزفول بنا بر دسته‌بندی مهندس غلامرضا نعیمما در دو گروه قرار می‌گیرد:

اول: کاربرد کالبدی (استحکامی) و دوم: کاربرد تزئینی (خوون چینی) (نعیما، ۱۳۷۶: ۳۲). «واژه خوون در هنر معماری ایرانی به نگاره‌های زینتی موزاییک مانندی که بر پیشانی بنا ساخته‌اند گفته می‌شده است. این شیوه گونه خاصی از آجرکاری در مایه خفته راسته و گره چینی است که در شوشتر و دزفول رواج فراوان داشته است» (محمودی و چاییده، ۱۳۸۹: ۱۹) به عبارتی «خوون چینی کاربرد تزئینی آجر است و از ضخامت آن در ایجاد انواع گره‌های تزئینی در پیشانی بنا استفاده می‌نمایند. به قولی دیگر خوون چینی آرایش ساختمان به صورت (آمود) می‌باشد (نعیما، ۱۳۷۶: ۵۱). «ابعاد نهایی آجر دزفول تناسبی است که می‌آفریند و خلق می‌کند. تکاملی است با بیش از سه هزار سال تجربه و کار، آجر طی زمان ابعاد خود را پیدا نموده است و در ترکیب‌های متعدد قادر است بیش از یک‌صد و پنجاه نقش «خوون» ایجاد نماید» (همان، ۵۴). «گسترده‌گی شبکه تنظیمات خوون حتی در کاشی کاری مساجد شهر و ترکیبی از آجر و کاشی نیز در بناهای مذهبی مانند مساجد به چشم می‌خورد. در گورستان مجاور رودبند به جای سنگ قبر، ترکیب آجر (خوون) و ترکیب آجر و کاشی به کار رفته است» (همان).

مطالعات تطبیقی

در کشورمان گونه‌های مختلف سنگ قبر به غیر از سنگ قبرهای معمولی که به شکل سنگی هستند، وجود دارد. در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران، با توجه به فرهنگ و تاریخ گذشته‌ی مردمانش، اشکال متفاوتی از سنگ قبر به چشم می‌خورد.

«شاید خوش‌ذوق‌ترین قوم ایرانی در طراحی و ساخت مقبره، اقوام بختیاری و بخشی از مردم استان فارس و استان خوزستان باشند. مردم این مناطق سنگ قبر را با توجه به شخصیت و گذشته‌ی شخص متوفی نقاشی می‌کنند. در این نقاشی‌ها آداب و رسوم مردم، به صورت برخی اشکال خاص و به عنوان نمادهای بختیاری، بر روی مقبره ترسیم شده‌اند. مثلاً در فرهنگ بختیاری شیر نماد دلآوری و شجاعت را دارد، اسلحه نماد شکار و جنگاوری است و اسب سیاه به نشانه‌ی عزا و ماتم ترسیم می‌شود. در فرهنگ ایل بختیاری حتی دین و مذهب نیز به صورت



Taknaz.ir

تصویر ۱. www.taknaz.ir



تصویر ۲. www.taknaz.ir



Taknaz.ir



Taknaz.ir

تصاویر ۳ و ۴. www.taknaz.ir

نقاشی مطرح می‌شود» (www.taknaz.ir). برای مثال نقش مسجد با ۲ مناره و گلدسته نشان از مسلمان و شیعه بودن شخص فوت شده دارد. همین طرح را در قبور آجری رودبند هم مشاهده می‌شود. (تصاویر ۱ و ۲)

مقبره‌های چوبی

استان‌های گیلان و مازندران دارای بیشترین منابع چوب هستند و ساختمان‌های ساخته شده از چوب در قبرستان‌های این مناطق نیز صادق است. می‌توان به این موضوع اندیشید که حفاظ‌های چوبی در این قبرستان‌ها، نشان می‌دهد که مردم این دیار دوست ندارند امواتشان زیر باران در عذاب باشند و به گونه‌ای یک خانه‌ی چوبی بر سر مزار او ساخته‌اند. این عکس‌ها مربوط به روستای (شاه شهیدان) واقع در منطقه‌ی دیلمان استان گیلان است. (تصاویر ۳ و ۴)

مقبره‌های طبقاتی

این گونه مقبره‌ها در استان لرستان و روستای (ابوالوفا) واقع شده‌اند. (تصویر ۵)

مقبره‌های سنگ افراشته

در برخی نقاط کشور مقبره‌ها شکل و شمایل بسیار متفاوتی دارند. «سنگ قبرهایی برافراشته و به شکل مجسمه که برخی مورخان شکل و شمایل آن‌ها را مربوط به دوران چنگیزخان مغول و مرتبط با رسوم آن‌ها می‌دانند. به این مقبره‌ها اصطلاحاً «سنگ افراشته» می‌گویند. در استان گلستان، شهرستان کلالة و در نزدیکی زیارتگاه خالدنبی و همچنین در منطقه «باخرز» از توابع استان خراسان، قبرستان‌های متعددی در روستاها دیده می‌شوند که دارای سنگ افراشته هستند. در شهر تبریز و در حدود شش کیلومتری باغ «ایل‌گلی»، در روستایی که نامش «پینه‌شلوار» است، قبرستانی وجود دارد که چند قبر با سنگ‌افراشته بدون کتیبه و شبیه به آن‌چه در خالدنبی وجود دارد در آن دیده می‌شود. در استان لرستان نیز قبرستان‌های بسیاری در روستاها دیده می‌شوند که دارای سنگ‌افراشته هستند. نام یکی از این روستاها، «ابوالوفا» است که در نزدیکی «کوه‌دشت» واقع شده است. سنگ‌افراشته‌های این قبرستان چهار وجهی و هرمی شکل هستند و در هر وجه آن نوشته‌ها و نقوش بسیار زیبا و معناداری دیده می‌شوند. در نزدیکی مرز میان استان ایلام و کرمانشاه، شهری به نام «شاه‌بداغ» وجود دارد که جزو استان کرمانشاه محسوب می‌شود و در آن یک قبرستان با سنگ‌های افراشته وجود دارد، همچنین در استان کرمانشاه و در مسیر «ریجاب» به «بابا یادگار» قبرستانی هست با سنگ‌های افراشته‌ی چهار وجهی و در حدود دو متر که آجرچینی و سنگ‌چینی شده‌اند.» (www.taknaz.ir). (تصاویر ۶ و ۷)



Taknaz.ir

تصویر ۵. www.taknaz.ir



Taknaz.ir

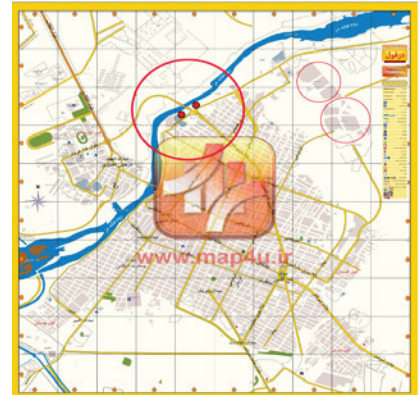


www.taknaz.ir (تصاویر ۶ و ۷)

موقعیت گورستان رودبند در شهر دزفول

تصویر ۸. نقشه شهر دزفول

تصویر ۹. نمایی از مقبره رودبند



تصویر ۸. نقشه شهر دزفول (منبع: شهرداری دزفول)

پراکنش جغرافیایی مزارهای آجری
 سنگ مزارهای قدیمی دزفول از لحاظ ساخت و نقش مایه‌های به کار برده شده، دارای ویژگی‌هایی ممتاز بوده و از سنت‌های رایج پیشین در ساخت سازه‌های آرامگاهی برخوردار است که به لحاظ نوع معماری پیوستگی کاملی با معماری خاص این بوم دارد. همان گونه که سنت معماری آجری در دزفول با ورود جلوه‌های مدرنیته به ایران دست‌خوش دگرگونی گردید و معماری نوین جایگزین هویت و اصالت سازه‌های بومی گردید، در مورد ساخت سازه‌های آرامگاهی نیز الگوهای گذشته در حال حاضر جای خود را به مصالح امروزی و متداول سنگ مزار داده است. با این وجود با توجه به تاریخ روی قبور مذکور پیداست تا نیمه دوم دهه ۵۰ خورشیدی (۱۳۵۰.ش.) تکنیک مورد بحث زنده و معماران این فن حضور داشته‌اند. در روند نوسازی شهر شماری از گورستان‌های قدیمی چون گورستان ابوالعلا، گورستان علی مالک و گورستان صائبین تخریب و تبدیل به قسمتی از فضای نوین شهری گردید. در این بین دو گورستان رودبند و کاشفیه در جوار رودخانه دز تا به امروز محفوظ مانده است. همچنین نمونه‌هایی از چنین الگوهایی از ساخت مزار در اطراف دزفول به ویژه بارگاه‌های آرامگاهی چون آرامگاه یعقوب لیث صفاری و محمد بن جعفر وجود دارد.

بقعه ی پیر رودبند

«این بقعه در محله‌ی رودبند یا در شمال غربی شهر دزفول و در کنار قبرستان عمومی واقع و شهرت دارد. بنای این بقعه متبرکه را به زمان امیر تیمور گورکانی نسبت داده‌اند و در زمان شاه عباس نیز مرمت شده است. بنای بقعه رودبند در کنار رودخانه و حدوداً ۲۵ متر بالاتر از سطح رودخانه ساخته شده است. ارتفاع گنبد آن ۱۸ متر، مخروطی شکل و به رنگ سفید می‌باشد... یک کتیبه از دوران صفویه بر سر در بقعه نصب شده که عنوان صاحب مزار در آن چنین آمده است: «مزار فایض الانوار قطب الاولیاء المحققین سلطان سیدعلی سیاه پوش» کتیبه مزبور، مربوط به زمان شاه عباس اول است که در آن مرمت اساسی بقعه توسط «علی سلطان جغتایی» یاد شده است. همچنین بنابر نوشته‌ی «تذکره الاخبار و مجمع الأبرار» صاحب بقعه در سال ۷۹۹ ه.ق. در گذشته و امیر تیمور بر مدفن او بقعه‌ای ساخته است... در تذکره مزبور، شخصیت صاحب بقعه چنین معرفی شده است: «... قطب العارفین و زبده السالکین صاحب الکشف و الکرامات الجلی السلطان سیدعلی... نسب شریفش با بیست و دو واسطه به امام موسی کاظم... منتهی می‌شود» (پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۸: ۲۶۵-۲۶۴).

پیرامون پیر رودبند گورستانی قدیمی قرار گرفته است که به گورستان رودبند مشهور است. در فاصله‌ای نزدیک از سمت شرقی آرامستان رودبند، در امتداد رودخانه دز گورستان دیگری واقع است که محصور بوده و کاشفیه نام دارد. آرامگاه‌های قدیمی واقع در این دو مجموعه گویای سنت پیشین ساخت مقابر آجری در دزفول می‌باشد. مزارهای موجود در مجموعه‌های آرامگاهی رودبند و کاشفیه یک دست نبوده و برخی که متأخرترند دارای پوشش‌های سنگی و مرمرین امروزی هستند. (تصویر ۱۰)



تصویر ۹. نمایی از مقبره رودبند (منبع: نگارندگان)



تصویر ۱۰. عکس هوایی از محله رودبند (www.dezfulfarda.ir)

بررسی نقوش و کتیبه‌های تزئیناتی قبرهای آجری

الف: نقوش

سطح رویی مزارهای آجری رودبند عمدتاً پوششی آجر چینی شده و قاب مانند است که در برگیرنده کادر دیگری از نقوش مزین به آجرهای لعابدار است. آجرهای لعابدار به سه رنگ سفید، آبی فیروزه‌ای و سرمه‌ای تیره مایل به سیاه می باشند. با این که غالب سنگ مزارها از چنین ترکیب اولیه‌ای تشکیل گردیده‌اند، برخی از آن‌ها نیز نقوش آجری ساده بدون ترکیب با آجرهای لعابدار رنگی با چینی موزون و هندسی هستند. بعضی دیگر از این نقش‌ها نیز کاملاً لعابدار بدون کادر آجری پیرامونی هستند. قبور بررسی شده یا با اختلاف سطحی جزئی از سطح زمین قرار دارند یا هم سطح با زمین هستند. بدین ترتیب در یک دسته‌بندی می‌توان سه گونه از قبور را از هم متمایز دانست:

۱. نقوش آجری

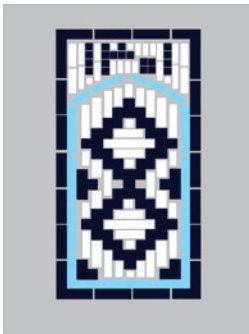
۲. نقوش لعابدار

۳. ترکیب نقش آجری و لعابدار

اما از نظر نوع نقوش به کاررفته، می‌توان به دامنه‌ای از طرح‌ها اشاره کرد. نقوش مذکور غالباً به شکل هندسی و انتزاعی کار شده‌اند. در مجموع می‌توان گفت معمولاً هر مقبره‌ای حاوی حاشیه‌ای ساده، نقش یا طرح اصلی و احتمالاً تاریخ است که در بالا یا پایین طرح‌ها آمده است. (تصاویر ۱۱ تا ۱۴)

ب) کتیبه‌ها

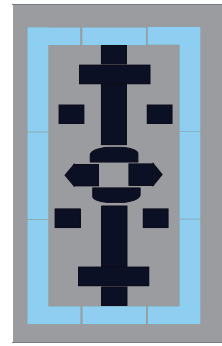
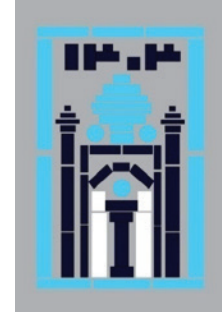
نقوش مزارها معمولاً دارای ویژگی‌هایی از جمله: نام و نام خانوادگی، تاریخ زادروز، تاریخ درگذشت، سروده و یا گفتاری پرمعنا درباره فرد در گذشته، نماد و نشانه‌های تصویری بر مبنای مواردی چون: آیین، ملیت، شغل و علاقه‌مندی هستند. لذا «یکی از ارکان اصلی و لاینفک بیشتر سنگ‌های قبور که بدون آن این آثار کارکرد ویژه خود را از دست می‌دهند، نوشتار روی آن‌ها است. به‌طور عام در مرحله نخست یک سنگ قبر باید خیر از صاحب خود بدهد. نام شخص متوفی، نام پدر، احتمالاً اجداد پدری، تاریخ تولد و فوت، نام طایفه، قبیله و خاندان، محل و ای بسا علت فوت.» (خسرو نژاد، ۱۳۷۷). در این رابطه باید اذعان نمود که این موارد بر روی قبور آجری رودبند به ندرت وجود دارد که به خاطر فقدان فضای لازم و دلایل کافی در اینجا از بررسی آن صرف‌نظر می‌گردد. تنها داده‌ای از متوفی که بر روی برخی از آرامگاه‌ها موجود است تاریخی قمری است که یا در بالا و یا در پایین کادر مزار با همان تکنیک آجر لعابدار درج گردیده است و به گمان تاریخ فوت در گذشته است. نوشتن نام بر روی این قبور مرسوم نبوده است. تصاویر ۱۱ تا ۱۴.



تصاویر ۱۱ و ۱۲.
طراحی از نگارندگان

در نوع ساده آجری هیچ‌گونه کتیبه حتی تاریخ مرگ وجود ندارد که به احتمال زیاد یا قدیمی تر از بقیه می‌باشند یا این که افراد مدفون شده از اهمیت کمتری برخوردار بودند. (تصاویر ۱۵ تا ۲۳)

با پرسش از سال خوردگان و دانندگان رسوم این بوم درباره تفاوت آرامگاه‌های آجری ساده و آجری معقلی چنین پاسخ داده شد: چنان چه شخص متوفی کهن سال یا متمول تر و یا شاید براساس جنسیت بوده، مزار با پوشش یک‌دست آراسته می‌گردید و کاربرد نقوش رنگین لعاب‌دار ویژه این گونه افراد بوده است.



تصاویر ۱۳ و ۱۴. منبع: طراحی از نگارندگان



منبع: نگارندگان

تأثیر تزئینات آجرکاری بناهای تاریخی دزفول بر روی آجرکاری قبرهای رودبند

تشابهی از نظر طرح و نقوش بر روی دیواره‌های بیرونی بناهای شهر و آجرکاری مقابر رودبند وجود دارد که حاکی از تأثیر شدید این نوع تکنیک تزئینی و وابسته به معماری بر روی پوشش مقابر مذکور می‌باشد. برخی اعتقاد دارند، بارزترین عنصر تزئین و دیوارنگاره در تزئینات معماری سنتی خوزستان آجرکاری و در اصطلاح محلی برخی از شهرهای استان خووون چینی Khovoon CHini است. از آن جا که کاربرد طرح‌های هندسی و چند ضلعی‌ها به گونه‌ای موفق در تزئینات قرن ۹ و ۱۰ به چشم می‌خورد بنابراین نقوش اجرا شده در این تزئینات نیز اکثرا در قالب اشکال هندسی و گره چینی است. جایگاه این نوع تزئین در اکثر موارد بر لچکی‌ها، پشت بغل‌ها و سردر ورودی بناهاست. در بناهای اعیانی، تعداد کتیبه‌های به کاررفته بیشتر و زیباتر است. قرینه بودن طرح‌ها و نقوش در خووون چینی پیروی از حاکمیت عامل تقارن در نقوش اسلامی است که این عامل تنها صفت مشترک کلیه تزئینات آجرکاری در منطقه است.

جهت اجرای طرح‌ها، آجر مربع مطابق با اجزای تفکیک شده طرح به وسیله استاد آجرتراش به قطعات دو قدی، سه قدی، چارک، یک سرپخ، دو سرپخ، کلوک و اشکال متنوع دیگر برش داده می‌شود در هنگام اجرا ممکن است طرح را به سه صورت بر زمینه جای داد:

۱ - معرق (خفته-راسته)

۲ - منبت (سیر و گسنة)

۳- آجر قالبی

در شیوه معرق قطعات آجر بدون ایجاد اختلاف سطح، در کنار هم، به ترتیب قرارگیری اجزای طرح، با محاسبه فاصله بندکشی بر روی زمینه قرار می‌گیرند. در این نوع تزئین نقوش گره چینی خصوصا شمسه‌های دوازده و ده رایج است. اجزای شمسه را از آجر تراش داده و بعد از لعاب‌کاری با رنگ‌های آبی، سبز، مشکی و در کنار هم چیدن آن‌ها طرح مورد نظر را در کادر انتخاب شده به دست می‌آورند. از این روش لعاب‌دهی در آجرهای لبه بام یا دورهای تزئینی بر گیلویی ستونها استفاده شده است.

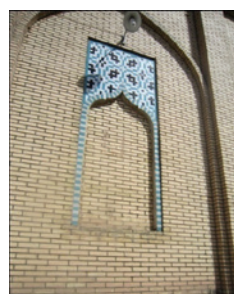
در نوعی نقش‌اندازی به شیوه معرق از آجرهای لعابدار، آجر ساده و ملاط گچ استفاده می‌شود که به نام آجرکاری نقشی مشهور است.

در شیوه منبت قطعات آجر به صورت گود و برآمده و در اصطلاح محلی سیر و گسنة (سیر



تصاویر ۲۴ تا ۲۶ (منبع: نگارنده)

یکی از سنگ قبرها در رودبند



دیوار امامزاده رودبند



وگرسنه) بر زمینه کار قرار می‌گیرند و اختلاف سطح به وجود آمده بیشتر از سه سانت نیست. شیوه دیگری از اجرای آجر منبت در منطقه، خصوصاً شهرهای شوشتر و دزفول، مشاهده شده است. به این صورت که یک (موتیف) واحد تمام از طرح بر روی آجر مربع به صورت نقش برجسته ایجاد می‌شود که نهایتاً با در کنار هم قرار دادن آجرهای مربع، طرح یکپارچه و زیبا به دست می‌آید. با دقت در جزییات این شیوه می‌توان دریافت، نقش اندازی برجسته بر سطح آجرها به شیوه قالبی و در زمانی که آجرها هنوز تر بوده‌اند انجام شده است. به عنوان مثال بر دیواره‌های مقبره رودبند که بازسازی شده‌اند نیز از این نقش‌ها وجود دارد، که نوعی هماهنگی در فضا و نماها ایجاد نموده است. در بیشتر آثار تاریخی دیگر هم مثل «خانه ی تیز نو» که امروزه اداره‌ی میراث فرهنگی دزفول در آن جا قرار دارد، سردرهای آجری آن شبیه به طرح‌های قبرهای رودبند هستند. (تصاویر ۲۷ تا ۳۲)



تصاویر ۲۷ تا ۳۲ (منبع: نگارنده)

نتیجه‌گیری

در کشورمان گونه‌های مختلف سنگ قبر به غیر از سنگ قبرهای معمولی که به شکل سنگی هستند، وجود دارد. در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران، با توجه به فرهنگ و تاریخ گذشته‌ی مردمانش، اشکال متفاوتی از پوشش مقابر وجود دارد که نمونه‌ی نادر آن در منطقه رودبند و کاشفیه دزفول می‌باشد. مردم این منطقه مقابر را با توجه به شخصیت و گذشته‌ی شخص متوفی و بدون نام و نشان و کاملاً متواضعانه و با استفاده از ویژگی‌های اقلیمی، نوع مصالح در دسترس و بوم آورد و همراه با خودبسندگی می‌ساختند. موضوع جالبی که از پوشش این مقابر می‌توان استنباط کرد، حضور طرح‌های انتزاعی و هندسی در تصویرها با استفاده از (خوون چینی) آجرکاری‌های ساده و لعاب‌دارست که این خود نشانه‌ای پایدار از نظر استمرار هنر اسلامی و ادامه‌ی تزیینات آجرکاری از معماری منازل در زمان حیات تا در معماری منازل آخرت و با حالت یادبودی در این ناحیه می‌باشد و همچنین نشانه‌ای بی بدیل از تأثیرات محکم و عمیق تکنیک غنی و استوار آجرکاری (خوون چینی) این منطقه می‌باشد به صورتی که حتی می‌توان از این الگوها برای دوران معاصر نیز استفاده نمود. در واقع اگر فراموش کنیم که تصاویر مربوط به مقابر است، کمتر غم و اندوهی در آن‌ها مشخص می‌شود و بیشتر آرامش همراه با اتحاد با بقیه آثار با ارزش تاریخی شهر احساس و درک می‌گردد.

منابع

- پرادا، ایدات با همکاری رابرت دایسون و چارلز ویلکینسون (۱۳۸۶)، هنر ایران باستان، یوسف مجیدزاده، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
- پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی (۱۳۷۸)، بناهای آرامگاهی، تهران، حوزه هنری.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۸)، سنگ قبر، چاپ اول، تهران، نشر بنگاه.
- خسرونژاد، پدram (۱۳۷۷)، نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱، صفحه ۲۶.
- سگوند، اردشیر (۱۳۸۶)، نشریه ادبیات و زبان‌ها، شماره ۳۹، صفحه ۱۵
- محمودی، مهنوش و چائیده، علی (۱۳۸۹)، کاربرد ریاضیات در معماری ایران (بررسی نقش تناسب هندسی در تزیینات ورودی خانه‌های بافت قدیم شهر تاریخی دزفول)، ماه علوم و فنون، دوره دوم شماره ۱۲۹، از ۱۴ تا ۲۷.
- نعیم، غلامرضا (۱۳۷۶)، دزفول شهر آجر، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور

www.dezfulfarda.ir

www.Taknaz.ir

www.fa.wikipedia.org